



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۸/۳۰



عارف عباسی

افغانستان در سردرگمی و بی سروسامانی قرار دارد، آیا این حالت دلخواه حامد کرزی است؟

چرا کرزی چنین می کند؟ واقعاً چه منظوری او را اندر خیال است؟

بخش دوم

به ارتباط مقاله مبسوط روزنامه نیویارک تایمز که به تاریخ ۲۶ اگست افتخار نشر را در سایت ملی و صلح آمیز آریانا افغانستان پیدا نمود، و محتوی راپور توضیح فعالیت های روزمره سیاسی و اجتماعی رئیس جمهور متقاعد افغانستان آقای حامد کرزی است، یقیناً هر ذهن کنجکاو علاقمند اوضاع پریشان وطن را و می دارد تا بداند که در این حالت مخمسه بار و بحرانی مملکت، آقای کرزی چه آرزویی را به دل می پروراند؟ و هدف او از این تحریکات و مداخلات چیست؟

توقع از کرزی این بود که کلیه خبط و خطای سیزده سال حکومت خود را عادلانه زیر و رو نموده رستگاری از معاصی پارینه و به حیث سجده سهو، طلب بخشایش از دربار الهی نماید که با مقدرات یک مملکت و سی ملیون باشندۀ آن بی باکانه، ظالمانه و خانمانه بازی نمود، دوران بازنشستگی را که مؤاخذه نشد و به کیفر اعمال خود نرسید با شکران از خداوند استراحت نموده با تخصیص معتنابه ماهانه و خانه مجلل دولتی عزلت سیاسی برگزیده با سیر و سفر به اطراف و اکناف مملکت و مشاهده عملی زندگی اکثریت مردم نتایج ۱۳ سال زمام داری اش را بررسی می کرد و مملکت را به حال خودش می گذاشت. اگر گوشه گیری آزارش می داد، امکانات بس وسیع برای مصروف نگهداشتن خود و خدمت به وطن برایش میسر بود که به حیث یک میانجی خوب برای رفع منازعات و اختلافات بین القومی، ایراد بیانیه ها در کانون های معرفت کشور در مورد ضرورت میرم وحدت ملی، احترام به حق زن، نیازمندی برای تشکلات مسالمت آمیز مدنی توسط اقشار بیدار و آگاه جامعه برای مبارزه علیه فساد، استبداد و تأمین عدالت اجتماعی برای خیر و سعادت و وطنش خدمت نموده به نحوی ممد صلح، ثبات و آرامش مملکت واقع می شد.

ولی واقعیت ها گواه است که او از موقف و صلاحیت هایی که برایش اعطاء شد سوء استفاده نموده مشغول خت کردن آب و ماهی گرفتن است، شاید هم ماهی گیری از آب گل آلود خواب و خیالی بیش نباشد و در چنگک او با در

نظر داشت واقعیت های عینی خراجنگ و قور باغه گرفتار آید، و شاید گل آلود ساختن آب به حیث عادتی او را مسرت افزاء و مایه افتناع خاطر باشد و بس.

مقدم بر بررسی نیات، تخیلات و خواسته های نهان آقای کرزی ایجاب می نماید تا انگیزه و دلیل چنین زمینه سازی پر مصرف را از بودجه مملکتی که خود در بحران عمیق اقتصادی دچار است و بسی امکانات وسیع کمک های مالی را از دست داده برای کرزی مساعد ساخته مورد مذاقه قرار دهیم که دلیل چیست؟ چرا حکومت وحدت ملی! بر علاوه مصارف ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه آرگاه و بارگاهی برای کرزی ایجاد نمود و برای جمعیت بزرگ مشاورینش با معاشات، تدابیر امنیتی و سائر امتیازات دفتر خاصی بنا نمود، توقع حکومت از چنین تشکیل غیر معمول، مطلق بی لزوم و اضافی چه بود؟

۱- چنین حدس زده می شود که شاید توسط کرزی متنفذین و زورمندانی که به حاشیه رانده شده اند به نحوی مطرح باشند و صدایی داشته باشند.

۲- احتمالاً اشرف غنی می خواست تا حمایت و پشتی بانی این قشر را توسط کرزی برای خود حاصل نموده توازنی بین حامیان عبدالله و خود ایجاد نماید. چون در ابتدا چنین گمان می رفت که کرزی پشتی بان و حامی اشرف غنی است.

اما آن چه در عمل، به اساس راپور ها، توسط کرزی تعقیب می گردد هر دو حالت فوق را نفی می کند. گفتیم که تشکل غیر معمول، بلی در افغانستان بسی تصامیم بی سابقه و غیر معمول اتخاذ گردیده بعد از انتخابات رسوا و بحرانی سال ۲۰۱۴ ریاست جمهوری که عبارت بود از توافقنامه سیاسی بین دو فرد عادی بدون اعلام نتایج نهایی انتخابات و ایجاد نظام سیاسی وحدت ملی! که حتی شاگرد دور ابتدایی مکتب و حمال می دانست که در شرائط افغانستان عملی نبوده، کار نمی دهد و به هیچ وجه به نفع افغانستان نیست.

آقای کرزی با شناختی (نه اعتباری) که در دنیا داشت به دستور حکومت می توانست در محافل و مجالس تشریفاتی از افغانستان نمایندگی نماید و باید از دیدار های رسمی سیاسی اش با سران دول ممانعت می شد مگر این که بحیث یک تبعه افغانستان به کشوری سفر شخصی می نمود.

راپور ها مشعر است که آقای کرزی بیش از حد فعال بوده و با گسترده سفره خانزادگی (از کیسه خلیفه) هر روز دور خود مردم را از هر قشر جمع نموده و بر علیه حکومت به نحو زیرکانه و ماهرانه تبلیغ نموده و در تضعیف آن در جد و جهد است که میتوان این اعمال را در دو حالت مورد ارزیابی قرار داد:

۱- تکلیف روانی، که او را بعد از ۱۳ سال در مسند قدرت بودن بیکاری و عاطل بودن برایش آزارنده بوده، باید مطرح باشد و به حاشیه رانده نشود، در این فرضیه آیا تحریکات و تخریب حکومت هم جزء این تکلیف روانی است؟ نظر روان شناسان ضرورت است.

۲- هدفمندی و گشایش راهی برای رسیدن به قدرت، گرچه خودش ظاهراً می گوید که آرزوی بازگشت به قدرت را ندارد ولی آن چه می کند و آن چه می گوید اعتبار را به صداقت گفتارش زائل می سازد و برای دانستن خواست درونی اش و درک عطش به قدرت رسیدنش حکمت خاص در کار نیست، مبصرین می گویند که حتی در اعتصابات و مظاهرات نشان پل پای کرزی موجود است.

۳- قبل از این که امکانات برگشت کرزی را به قدرت در کشور مورد مطالعه قرار دهیم، باید نکات آتی را در نظر گرفت:

اول - آیا آقای کرزی در دو دوره ریاست جمهوری که مجموعاً ۱۳ سال را در بر گرفت برای خود جایگاه و پایگاه مردمی ساخت؟

آیا کرزی و دار و دسته اش کدام شهکار ماندگار از لحاظ اجتماعی و اقتصادی به نفع اکثریت ملت انجام دادند؟ بر رسی هر ورق این دوران ظلمت بار تاریخ داستان های آشنای غم انگیز این وطن است که اکثریت مردم کشور و مخصوصاً اقشار آگاه، خبیر و بصیر آن را دقیقاً درک نموده اند. البته طول و تفصیل هر گوشه این زمام داری تکرار احسن نبوده بلکه آفرینش غصه، اندوه و الم برای وطن پرستان و بهی خواهان است.

با ورود سپاه خارجی و سرازیر شدن مبالغ معتدبه بی سابقه کمک ها افغانستان به صحنه تمثیل فساد پیشگی مافیای روس و ایتالوی، گنگستریزم نیویارک و شیکاگو و از لحاظ داخلی تکرار تاریخ دور سقاوی بود. کرزی صرف به خود اندیشید و بقای قدرت خودش یگانه آرزو بود و برای رسیدن به آن به چنان مصلحت ها و معامله گری ها تن داد که ملت به حاشیه رانده شد و زمینه غارت، چپاول و سرقت علنی توسط بازار آزاد و قرار داد های روغنی نام نهاد باز سازی و شرکت های امنیتی داخلی و رونق کشت خاشخاش و قاچاق تریاک برای اقلیت محدود اطرافيون، حامیان و اقارب کرزی میسر شد. کرزی خود مسؤول نمره یک گسترش فساد، و حمایت علنی از مفسدین و جانپان است درحالی که بر آوردن توقعات و خواسته های چندین دهه محرومیت، مردم رنج کشیده و ستم دیده خوش باور و خوش قلب افغانستان با شعار های میان تهی و سیاست های به روی یخ نوشتن بی حساب و امکانات بی حد و حصر مالی میسر بود.

منکر آن نمی توان شد که کرزی هواه خواه، پشتی بان، مخلص و ارادتمند نداشت، البته که داشت، این ها اقلیتی بودند از هر قوم مشتمل از کسانی با سوابق علنی جرم و جنایت، خون ناحق ریختن و به شرف و عزت و ناموس مردم تجاوز کردن. در مقرری ها نصاب ها پامال شد و اهلیت و کفایت خبری نبود. بی سوادى به عالی ترین منصب عسکری ارتقاء و مقام معاونیت اول ریاست جمهوری را احراز نمود و قوماندانان ملیشه بدون طی سلسله مراتب سپه سالار و نائب سالار و جنرال شدند، اگر دو سه تکنوکراتی در کابینه بودند برای بقای خود پیرو زورمندان شدند و یا طریق فساد پیشه کردند، بسی هرزگان بی سواد و سگ جنگ اندازان والی مقرر شدند و کیسه ها از دارائی عامه و قاچاق مواد مخدره پر کردند.

از عدالت خبری نبود، محاکم به لجن زار کثافت فساد آلوده بوده، پولیس و خرنوال جزء مفسدین بودند و یا خود فساد پیشه. هیچ مجرم زورمند مؤاخذه و محاکمه نشد و صد ها دوسیه مفسدین و دزدان چراغ بدست به دستور کرزی حفظ گردید. زورمندان دور و بر کرزی و خانواده های شان به نحو معجزه آسا میلیونر شدند و دارائی های اندوخته شده نامشروع در بیرون مملکت سرمایه گذاری شد.

این جنایات و فساد گسترى از نظر جهان و مردم افغانستان پنهان نماند با توسعه بخش اطلاعاتی و میسر شدن فرصت مناسب برای تأمین یگانه رکن دموکراسی که آزادی مطبوعات باشد، نمایندگی معتبر ترین خبر رسانی های جهان در کابل ایجاد گردید و منابع داخلی هم تحول و انکشاف سریع را پیمود. و هر یک حقایق رویداد های متنوعه را نشر و پخش نمودند ولی مثل سائر ممالک مطبوعات آزاد قوه پنجم نشده در تغییر احوال نقشی پیدا نکرد چون چشم ها بسته و گوش ها ناشنوا بود.

این وضع رقت بار و اسفناک قلب هزاران وطن پرست را جریحه دار ساخته به گفتار و نوشتار فریاد داد خواهی بر آوردند و به صراحت، شجاعت و شهامت گفتند و نوشتند.

ولی امروز همان شخصیت حقه باز، عوام فریب و هنرمند صحنه ساز در برابر مردم می ایستد و از دور ننگین زمام داری اش به افتخار یاد می کند. کرزی فکر می کند که چون رئیس جمهور ترکیه در قلوب مردم جا دارد و ملیون ها در عقبش می ایستند.

اگر کرزی به تبارز احساسات پلو خوران دور میز خود که ماهانه به ۴۰۰ نفر و در اعیاد به ۶۰۰۰ می رسد اغوا شده آن ها را نمایندگان ملت می شمارد سخت در اشتباه است، چه این قماش فرصت طلبانی بیش نبوده که هم در نعل می کوبند و هم در میخ و نان چاشت رایگان را غنیمت شمرده بعد از دعا و فاتحه راه خود گیرند و پس کار خویش روند.

دوم - کرزی عودت به قدرت خود را از کدام طرق در نظر دارد:

۱- سقوط حکومت فعلی: گرچه بحرانات اقتصادی، پیشروی سرسام آور مخالفین مسلح و تسخیر ۶۴ فیصد محلات کشور و منازعات و کشمکش علنی میان دو سر حکومت اعتصابات حق و ناحق بعضی اقوام به تحریک بیگانگان این حکومت را در لبه پرتگاه سراسیبهی قهقراپی قرار داده ولی گمان نمی رود حامیان قدرتمند خارجی با تمام دلبندی که به این کشور برای ختم کار های ناتمام خود دارند، بهر وسیله ای که باشد از چنین سقوط جلوگیری می کنند. چنان چه «جان کری» وزیر خارجه آمریکا (سرنوشت ساز سیاسی) گفت صرف نظر از همه مسائل غنی دور ۵ سال زمام داری خود را پوره می کند.

اگر احياناً اوضاع خلاف پیش بینی «جان کری» انکشاف نمود، بحرانات متعدد دست بدست هم داد و حکومت منجر به سقوط گردید، این حالت چگونه به نفع کرزی تمام می شود؟ افغانستان مثل تایلند و پاکستان قدرت نظامی ناظم و ناظر ندارد که برای مدتی زمام امور را بدست گرفته با دائر نمودن انتخابات زمینه بازگشت به دموکراسی را مهیا سازد. آمدن کرزی به قدرت توسط کودتای نظامی نا ممکن است.

سقوط حکومت بحرانات بس عظیم غیر قابل اداره را بار آورده متلاشی شدن نظام و پایان حاکمیت ملی بوده مرجع ذیصلاحی برای اتخاذ تدابیر وجود نمی داشته باشد.

۲- کرزی از انعقاد لویه جرگه عنعنوی سخن می راند که مشروعیت حکومت را مورد بحث قرار دهد. به اساس توافقنامه سیاسی، حکومت وحدت ملی! لویه جرگه را به منظور خاصی در سال دوم حکومت (سپتمبر ۲۰۱۶) باید دائر کند. که عبارت است از تعدیل قانون اساسی و ایجاد مقام صدارت برای رئیس اجرائیه، پس در هدف این جلسه مطابق خواست کرزی بحث در مورد مشروعیت حکومت در نظر گرفته نشده و این موضوع از جانب کدام مرجع شامل آجندای لویه جرگه می گردد. قانون اساسی افغانستان در فصل ششم ماده یکصد و دهم اعضای لویه جرگه را توضیح نموده.

۳- تا حال از انعقاد لویه جرگه به منظور فوق خیری نیست و احتمال دارد که اصلاً دائر نشده همین حکومت با همین ساختار به دستور امریکا کج دار و مریض مدت باقی مانده را تکمیل نماید.

۴- کرزی کلمه (عنعنوی) را مترادف با لویه جرگه تذکر می دهد که آیا لویه جرگه میرویس نیکه و احمد شاه بابا منظورش است. در چنین احوال کدام مرجع ذیصلاح تقاضای دائر شدن چنین جرگه را می نماید؟ و به کدام دلیل؟

۵- ریفردم و مراجعه به آراء عامه برای تغییر حکومت و زمام داری دیگر به اساس انتخابات که در تاریخ افغانستان سابقه نداشته و ایجاب فیصله اکثریت ولسی جرگه و مشرانو جرگه را می نماید و یا پیشنهاد ستره محکمه و منظوری هر دو شورا را در شرائط فعلی ناممکن است.

- ۶- در نتیجه، درب همه امکانات برای برگشت آقای کرزی به قدرت مسدود است و پروراندن چنین آرزوی در شرائط عینی مملکت خواب است و خیال و محال.
- ۷- بهتر آن است که کرزی از تفتن، تحریکات، مداخلات و تخریبات دست برداشته کنج عزلت بر گزیند و از خیانت هایی که به حق این ملت روا داشته توبه نماید. ولی کسی حق قضاوت، نوشتن و گفتارش را سلب نتوانسته نظریات خود را از مجاری قانونی تبارز دهد.
- ۸- حکومت باید دفتر کرزی را مسدود و تخصیصیه های بودجوی را به استثنای معاش ماهوارش قطع نماید.

پایان

